

نقد و بررسی متنی و سندی احادیث باب پنجم کتاب الغیبه نعمانی

طیبه فایزی^۱

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

کتاب الغیبه نعمانی (متوفی ۳۶۰ق) کهن ترین کتاب روایی در باب "مهدویت" در اندیشه های شیعه اثنی عشری است که به دست ما رسیده است. روایات این کتاب در بیست و شش باب، جمع و تدوین شده است. اکنون این سوال مطرح است که احادیث الغیبه نعمانی از لحاظ سند در چه سطحی از اعتبار قرار دارند؟ این مقاله به بررسی متنی و سندی احادیث باب پنجم که پیرامون مدعیان دروغین امامت و قیام هایی که قبل از قیام قائم(ع) رخ می دهد، پرداخته است. از سیزده حدیث نقل شده در این باب، سه حدیث در مورد قیام های قبل از قیام آن حضرت و بقیه احادیث در مورد مدعیان امامت منتصب از سوی خداوند می باشد. در این احادیث، چنین کسانی در ردیف "کافر" و "مشرک" معرفی شده اند. در بررسی احادیث باب مزبور روشن شد که ۹ حدیث، ضعیف و ۴ حدیث حسن است. به نظر می رسد که نعمانی خواسته است با آوردن احادیث ضعیف، متن احادیث ضعیف را به وسیله یکدیگر و احادیث معتبر در همان موضوع، تقویت کند. سه حدیث از احادیث ضعیف مربوط به قیام های قبل از قیام قائم است که از لحاظ متنی مورد مناقشه اند. در تحلیل متنی این احادیث روشن شد که همه قیامهای قبل از قیام قائم(ع) نکوهیده نیستند و قیامهایی که در طول و روند قیام قائم(ع) هستند، مورد تأیید امامان معصوم(ع) هستند. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و نقد متنی و سندی این احادیث پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: حدیث، متن، سند، حدیث حسن، حدیث ضعیف، الغیبه نعمانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

متقدم ترین کتاب از منابعی که در موضوع مهدویت و غیبت امام زمان(عج)، به دست ما رسیده، الغیبه نعمانی است که عموماً مورد تأیید علمای شیعه قرار گرفته است. زمان نگارش کتاب، بعد از غیبت صغری امام زمان و پایان دوره نواب خاص امام بود. نعمانی که در نیمه اول قرن چهارم زندگی می کرده است، در حالی که فکر جمع آوری و تألیف احادیث الغیبه افتاد که در جامعه آن روز، شیعیان دچار تفرقه و چند دستگی شده بودند. شاید این مسئله به دلیل این بود، که هرچه از زمان زندگی معصومین و غیبت صغری امام زمان می گذشت، تردیدها و شبهات بیشتر می شد. نعمانی خود می گوید: گروه هایی را می بینم که به مذهب شیعه منسوب و به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) وابسته اند اما متأسفانه ایشان دچار تفرقه و چند دستگی در مذهب شده اند و واجبات الهی را سست می گیرند و به محرمات الهی روی آورده اند یا آنها را کوچک می شمارند. عده ای در باره امام غلو می کنند و برخی بسیار کوتاه آمده اند و جز اندکی بقیه در مورد امام زمان خود به شک و تردید افتاده اند(نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۰ و ۲۱). او با آگاهی به این امر در صدد جمع آوری احادیثی شد که حقیقت غیبت امام زمان و دستور العمل هایی را که مردم در زمان غیبت باید انجام دهند بازگو کنند تا از انحراف از مسیر امامت و ناامیدی و سردرگمی در جامعه، جلوگیری شود. اکنون پس از گذشت چندین سده به مراتب این تردیدها و دودلی ها افزون تر شده است. تبیین و تشریح احادیث وارد شده در این موضوع، می تواند تردیدها و انحرافات را بکاهد و حقیقت غیبت را روشن سازد، از سوی دیگر پاسخگوی مخالفان نیز باشد. نعمانی شاگرد بدون واسطه کلینی است، زمان نگارش الغیبه دوران متصل به غیبت صغری است و این امر بر اعتبار و ارزش کتاب می افزاید. موضوع این باب مورد بحث، مدعیان دروغین امامت و قیام هایی است که قبل از قیام قائم(عج) رخ می دهد. مبنای کار مقاله کتاب الغیبه نعمانی، به تصحیح علی اکبر غفاری و ترجمه احمد فهری زنجانی است. با ذکر اینکه در برخی از جاهای ترجمه، به منظور ارائه دقیق تر آن، عبارات یا کلمات دیگری جایگزین شده است. در باب پنجم این کتاب، از انواع حدیث در علم درایه، دو نوع «حَسَن»^۱ و «ضعیف»^۲، احادیث آن را شکل داده اند.

پیشینه تحقیق

در پیشینه موضوع مورد بحث، به تلاش هایی علمی و تحقیقی که می توان اشاره کرد، از قبیل:

- ۱- کتاب بررسی توصیفی و تحلیلی کتاب الغیبه نعمانی، از حیدر علی رستمی، نویسنده به موضوعاتی در توصیف و تحلیل کتاب، زمان و شرایط تألیف آن، معرفی نعمانی، اساتید و شاگردان او و دیگر موضوعات مرتبط پرداخته است.
- ۲- رساله دکتری به نام: نقد و بررسی تاریخی تدوین و نشر احادیث مهدویت با تأکید بر غیبت نعمانی، تدوین علیرضا مختاری. وی جواب رد بر شبهاتی را آورده است که در آن ها ادعا شده که بحث مهدویت سابقه تاریخی نداشته و در زمان غیبت کبری مطرح شده است.
- ۳- پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: مطالعه دیدگاه های کلامی نعمانی در کتاب الغیبه، تدوین طیبه میر محمد حسینی از دانشگاه قم، در سال ۱۳۹۲ که در آن سخن از مواضع کلامی و اعتقادی نعمانی رفته است.
- ۴- مقالات: مقاله معرفی کتاب غیبت نعمانی و مقاله نعمانی و مصادر غیبت نوشته محمد جواد شبیری زنجانی که در مجله انتظار موعود شماره ۵ و شماره ۲ چاپ شده است. همچنین مقاله اعتبار و تداول کتاب الغیبه نعمانی نوشته مرتضی نادری منتشر شده در مجله سفینه شماره ۳۷، مقاله تحلیلی در باره احادیث غیبت در کتاب الغیبه نعمانی نوشته کاظم قاضی

- حدیث حسن، حدیثی است که سلسله سند آن به معصوم، امامی مذهب و ممدوح باشند بدون اینکه نسبت به عدالت آنان، نص صریحی وارد شده^۱ باشد. (شهید ثانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰)

- حدیث ضعیف حدیثی است که شروط احادیث سه گانه حدیث(صحیح، حسن و موثق) در آن نباشد. (همان)؛ حدیث صحیح، آن که سلسله سندش^۲ توسط افرادی موثق و امامی مذهب به معصوم متصل شده باشد؛ حدیث حَسَن، حدیثی است که سلسله سند آن به معصوم، امامی مذهب و ممدوح باشند، بدون آنکه نسبت به عدالت آنان، نص صریح وارد شده باشد. حدیث موثق، که لفظ قوی نیز به آن اطلاق می شود، خبری است که رجال شناسان شیعه تصریح به وثاقت راویان آن کرده باشند، هر چند دارای عقیده نادرستی در باره شیعه باشند(همان؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۶ق، ص ۵).

زاده و علیرضا مختاری که در مجله علوم و حدیث شماره ۴۵ و ۴۶ به چاپ رسیده است. اما این مقاله در راستای چنین تلاش‌هایی، احادیث باب پنجم کتاب را از نظر فنی در بحث‌های حدیث‌شناسی و به ویژه درایه‌الحدیث مورد نقد و بررسی سندی و متنی قرار داده و منابع آن‌ها را شناسایی کرده است. تحقیقات فوق کتاب الغیبه را به صورت موضوعی مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند، در حالی که نویسندگان در این مقاله، سلسله‌راویان مورد شناسایی و سند هر حدیث را ارزیابی کرده و متون احادیث را در منابع دیگر شناسایی و تفاوت کمی و کیفی آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است.

احادیث باب پنجم، مدعیان دروغین

موضوع باب: مدعیان امامت و کسانی که برخلاف واقع خود را «امام» تصور می‌کنند، روایاتی در این موضوع که هر پرچمی قبل از قیام حضرت قائم(ع) برافراشته شود، صاحبش طاغوت است. این باب شامل ۱۳ روایت است که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَفْدَةَ قَالَ حَدَّثَنَا حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْمَنْقَرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي شَيْخٌ بِمِصْرَ يُقَالُ لَهُ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمُقَرِّيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ "وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ" (زمر: ۶۰) قَالَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق ج ۱۱۳: ۲۵ و ج ۳۱: ۶۵۸؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۷۲۲: ۴).

امام صادق(ع) در معنی آیه شریفه (در روز رستاخیز خواهی دید کسانی که بر خدا دروغ بستند، چهره‌های شان سیاه شده است مگر نه جایگاه گردنکشان دوزخ است؟) فرمود: منظور کسی که پندارد امام است و در حقیقت امام نباشد.

بررسی متن: این حدیث در منابع گوناگون، با تفاوت‌هایی در کمیت، ضبط شده است به این بیان که در برخی منابع در ضمن حدیث کوتاه دیگری آمده است. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۲ و ۱۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱۳: ۲۵؛ بحرانی، ۱۳۷۳ش، ج ۷۲۲: ۴؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۳؛ همو، ۱۴۰۶ق، ص ۲۱۴؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۱۰؛ شعیری، بی تا، ص ۱۴۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۱: ۳۲۵ و ۳۲۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱: ۲۵۹) و گاهی در ضمن حدیثی طولانی نقل شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲: ۴۵۵؛ کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۶۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۶) اما از نظر کیفیت به نظر می‌رسد، حقیقت قابل قبولی است کسی که خود را امام فرض کند، درحالی‌که امام را خداوند خود، با توجه به ظرفیت شخص، انتخاب می‌کند، از مصادیق دروغ بستن بر خداوند است که مایه ذلت و روسیاهی در روز قیامت است.

* بررسی سند: نعمانی در این باب شش حدیث از احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده می‌آورد و خود در مقدمه الغیبه می‌گوید: «در وثاقت و اطلاع وی از حدیث جای هیچ بحث و گفتگویی نیست.» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۵)، علاوه بر توثیق نعمانی، ابن عقده را کوفی زیدی جارودی، ثقه جلیل‌القدر و بزرگوار توصیف کرده‌اند. (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۰۹؛ همو، بی تا، ص ۶۹؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۹۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۰۴)، حمید بن زیاد کوفی، واقفی ثقه است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۲؛ شیخ طوسی، بی تا، ص ۱۵۵؛ همو، ۱۳۸۳ش، ص ۴۲۱)، جعفر بن اسماعیل المنقری، گفته شده: کذاب و اهل غلو است. (ابن غضائری، ۱۳۶۴ق، ج ۱: ۴۷)، حسین بن احمد المقرئ: ضعیف توصیف شده، (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۱۶) و یونس بن ظبیان گفته شده: جداً ضعیف واز غلات است، (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۴۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۲۶؛ کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۳۶۳).

بنابر این، با عنایت به این بررسی، سند مذکور «ضعیف» ارزیابی می‌شود.

۲- وَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَفْدَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ مَرْزَبَانَ الْقُمِيِّ عَنْ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ وَ مَنْ زَعَمَ فِي إِمَامٍ حَقٌّ أَنَّهُ لَيْسَ بِإِمَامٍ وَ هُوَ إِمَامٌ وَ مَنْ زَعَمَ أَنْ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبًا. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ۳۴۹) امام صادق(ع) فرمود: خدای تعالی در روز رستاخیز

به سه نفر نگاه نمی کند و آنان را پاک نمی سازد و عذابی دردناک برایشان آماده است: کسی که خیال می کند، امام است و امام نباشد و کسی که امام بحق را امام نمی داند، در حالی که امام است و آنکه خیال کند، این دو بهره‌ای از اسلام دارند.

* بررسی متن: در برخی منابع به جای «زَعَمَ فِي إِمَامِ حَقِّ أَنَّهُ»، «جَحَدَ إِمَامَةَ إِمَامٍ مِنَ اللَّهِ» و در آخر حدیث عبارت: «وَمِنْ طُرُقٍ أُخْرَى أَنْ لِلأَوَّلِينَ وَمِنْ أُخْرَى لِلأَعْرَابِيِّينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹: ۱۳۸ و ج ۳۰: ۳۴۸؛ نوری، ۱۴۲۳ق، ج ۱۸: ۱۷۸؛ ابو صلاح حلبی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۸) و گاهی حدیث مختصر نقل شده است. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۱: ۶۳۰) در این حدیث امام به صورت ضمنی، غاصبان خلافت و جانشینی پیامبر(ص) و پیروانشان را مورد مذمت قرار داده، کسانی اولاً از توجه خداوند در روز قیامت بدورند و هیچ چیز مثل نماز و روزه و دیگر اعمالی که باعث پاکی درونی انسان می شود، آنها را پاک نمی کند و مورد عذاب دردناک خداوند قرار می گیرند.

* بررسی سند: احمدبن محمد بن سعید، ابن عقده همانگونه که گذشت ثقة زیدی است. محمدبن مفضل بن ابراهیم اشعری، امامی ثقة (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۹۶؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۴۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۵۴) و محمدبن عبدالله بن زراره، ثقة (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۶)، همچنین مرزبان قمی که فرزند عمران اشعری است، امامی ممدوح (برقی، ۱۳۴۲ش، ص ۵۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۶؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۳۴۳) و عمران اشعری امامی ممدوح (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۵۷؛ کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۳۳۲) توصیف شده اند.

بنابراین می توان سند حدیث را «حَسَن» ارزیابی کرد.

۳- وَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَعْلَى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مِيمُونِ الصَّائِغِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ مِنْ أَدْعَى مِنَ اللَّهِ إِمَامَةٌ لَيْسَتْ لَهُ وَ مَنْ جَحَدَ إِمَاماً مِنَ اللَّهِ وَ مَنْ زَعَمَ أَنْ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيباً. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۷۳؛ همو، ۱۴۲۹ق، ج ۲: ۲۵۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ۳۴۹؛ همو، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۳۹۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۸۰) امام صادق (ع) فرمود: خدای تعالی در روز رستاخیز با سه نفر نه حرف می زند و نه آنان را پاک می کند و برای آنان عذاب دردناکی آماده کرده است: کسی که مدعی امامت از طرف خدا باشد که آن را نداشته باشد، و کسی که امامی را که از طرف خدا است، انکار کند و کسی که خیال کند، این دو نفر سهمی از اسلام دارند.

* بررسی متن: در بعضی منابع به جای «لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ»، عبارت «لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۲۱۲؛ همو، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۲۱۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۳: ۱۳۷) و گاهی بعد از این عبارت، «لَا يَنْظُرُ اللَّهُ» نقل شده است. (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۳: ۱۳۹)، در منابع دیگر در ضمن حدیثی بلندتر (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۰، ص ۲۱۶ و ج ۲۵، ص ۱۱۲ و ج ۳۱، ص ۶۰۵؛ نوری، ۱۴۲۳ق، ج ۱۸، ص ۱۷۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۷۸؛ ابو صلاح حلبی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۸) و گاهی به صورت مختصر (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۱۹۴)، نقل شده است. این حدیث مانند حدیث قبل کسانی که خود را امام خوانده و در واقع مقام امامت را غضب کرده اند و پیروان آنها را مورد مذمت قرار داده است.

* بررسی سند: این حدیث را نعمانی از شیخ کلینی نقل کرده است که ثقة و بزرگوار و استوار و آگاه به حدیث توصیف شده است. (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۴۶؛ همو، بی تا، ص ۳۹۵؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۷۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹۵)، همچنین حسین بن محمد بن عامر یا عمران ثقة (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۶۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۵۲)، ابو داود مسترق، ثقة امامی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۱۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۸)، علی بن میمون صائغ، امامی ثقة (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۰۴ و ۲۴۶ و ۲۶۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۹۶)، ابن ابی یغفور، امامی ثقة (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۳۰ و ۲۶۴؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۳؛ کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۱۰ و ۲۴۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۰۷) توصیف شده اند. در سند این حدیث معلى بن محمد بصری وجود دارد که از رجال شیخ و نوشته هایش ممدوح توصیف شده است. (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۴۹؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۳۴۹؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۱۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۵۹)،

بنابر این سند حدیث به علت ثابت نشدن وثاقت معلى بصری، «حَسَن» است.

۴- و أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّاسُ بْنُ هِشَامٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ تَمَامٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنْ قُلْنَا يُفَرِّقُكَ السَّلَامُ وَ يَقُولُ لَكَ اضْمَنْ لِي الشَّفَاعَةَ فَقَالَ أَمِنْ مَوْلَانَا قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَمْرُهُ أَرْفَعُ مِنْ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ إِنَّهُ رَجُلٌ يُوَالِي عَلِيًّا وَ لَمْ يَعْرِفْ مَنْ بَعْدَهُ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ قَالَ ضَالَ قُلْتُ أَقْرَبَ بِالْأَيْمَةِ جَمِيعًا وَ جَدَّ الْأَخِرِ قَالَ هُوَ كَمَنْ أَقْرَبَ بَعِيسَى وَ جَدَّ بِمُحَمَّدٍ (ص) أَوْ أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ وَ جَدَّ بِبَعِيسَى نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَدِّ حُجَّةٍ مِنْ حُجَّجِهِ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۲) محمد بن تمام گفت: به امام صادق (ع) عرض کردم: فلان شخص به شما سلام می‌رساند و برای شما پیغام داده که ضامن شفاعت من شوید. فرمود: آیا از دوستان ما است؟ عرض کردم آری، فرمود: کار او بالاتر از آن است. گفتم: او مردی است دوستدار علی است، ولی اوصیاء بعد از او را نمی‌شناسد. فرمود: گمراه است گفتم به همه امامان اقرار کرده ولی آخرین امام را انکار کرده است. فرمود: او مانند کسی است که به عیسی (ع) اقرار کند و محمد (ص) را انکار کند، یا به محمد (ص) اقرار کند و عیسی (ع) را انکار نماید.

* بررسی متن: در بحارالانوار بعد از «قُلْنَا»، «مَوْلَاک» آورده شده، (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۹۷) و گاهی حدیث مختصر نقل شده است. (حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۶۳). طبق فرموده امام صادق (ع)، آنچه به نظر می‌رسد، امامت و جانشینی پیامبر (ص) مانند حلقه‌های به هم پیوسته زنجیری است که اگر هر کدام از این حلقه‌ها رها شود، باعث بیهوده بودن زنجیر خواهد شد. بنابراین اگر کسی بعضی از ائمه معصوم (ع) را نپذیرد، طبق فرموده امام گمراه خواهد بود.

* بررسی سند: در سند این حدیث ابن عقده که وثاقت وی روشن شد. قاسم بن حازم که توصیفی در موردش ذکر نشده است. عبیس بن هشام، امامی ثقه (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۲ و ۲۸۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۱۸)، عبدالله بن جبلة، واقفی و ثقه (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۷۷ و ۳۴۱؛ برقی، ۱۳۴۲ش، ص ۴۹)، حکم بن ایمن، امامی ممدوح است. (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۸۵؛ برقی، ۱۳۴۲ش، ص ۳۸؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۷)، و محمد بن تمام که امامی ممدوح است. (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۷۸؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۴۸۶).

به این ترتیب سند حدیث مذکور «حَسَن» ارزیابی می‌شود.

۵- أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ ابْنُ عَقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَامِرٍ بْنِ رَبَاحِ الثَّقَفِيِّ عَنِ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنِ أَبِي سَلَامٍ عَنِ سُورَةَ بْنِ كَلْبٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ " وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ" (زمر: ۶۰) قَالَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا قَالَ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۳۱۴؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴: ۷۲۲ و ۷۲۳) سورة بن کلب از امام باقر (ع) در معنی آیه شریفه وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (روز رستاخیز خواهی دید که چهره کسانی که دروغ بر خدا بسته‌اند سیاه شده است مگر نه این است که جایگاه متکبران دوزخ است؟) فرمود: کسی که پندارد امام است و امام نباشد. گفتم: اگر چه علوی و فاطمی نسب باشد؟ فرمود: هر چند که علوی و فاطمی نسب باشد.

* بررسی متن: این حدیث در منابع متعددی ذکر شده است، از جمله: در برخی منابع به جای «عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا»، «فَاطِمِيًّا عَلَوِيًّا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۷۲؛ همو، ۱۴۲۹ق، ج ۲: ۲۵۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۷۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۱۹۲)، در منابع دیگر حدیث از امام صادق (ع) و جای «قُلْتُ»، «قِيلَ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۴۹۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۱: ۳۲۵)، گاهی حدیث به صورت کوتاهتر (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۱ و ۱۱۳ و ج ۷: ۱۷۶؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴: ۷۲۲ و ۷۲۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۱: ۳۲۵ و ۳۲۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۴۹۶) و گاهی در ضمن حدیثی طولانی (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶۹)، نقل شده است. در تحلیل متنی این حدیث می‌توان گفت: در غضب مقام امامت فرق نمی‌کند چه کسی این کار را انجام می‌دهد، حتی اگر از نزدیکان امام برحق باشد که خداوند منصوب کرده است، سزاوار مجازات در روز رستاخیز است. شاید بتوان گفت که فرقه فرقه شدن مسلمین به خاطر اشتباهاتی است که مردم، در مورد شناخت امام برحق داشته‌اند و در نهایت منجر به شهادت رساندن

آنان شد که نتیجه اش، ضعف مسلمین در طول تاریخ اسلام است و مسئله غیبت امام دوازدهم که تنها ذخیره الهی است، از اینجا نشأت می گیرد.

* بررسی سند: همانطور که گذشت ابن عقده ثقه زیدی است. علی بن حسن فضال، فطحی وثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۵۸؛ شیخ طوسی، بی تا، ص ۲۷۳؛ کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۳۴۵)، عباس بن عامر بن رباح ثقفی، امامی ثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۸۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۱۸)، ابی المغراء که همان حمیدبن مثنی عجللی صیرفی است، امامی ثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۳؛ شیخ طوسی، بی تا، ص ۱۵۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۵۹)، سوره بن کلیب، امامی ثقه (کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۳۷۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۸۵) است. در سند حدیث ابو سلام نحاس قرار دارد که ضعیف توصیف شده است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۸: ۳۹۹).

به این ترتیب سند حدیث «ضعیف» ارزیابی می شود.

۶- وَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبِيسُ بْنُ هِشَامِ النَّاشِرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ عَنْ عَمْرَانَ بْنِ قَطْرِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَعْرِفُ الْأُمَّةَ (ع) قَالَ قَدْ كَانَ نُوحٌ (ع) يَعْرِفُهُمُ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ "شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى" (شوری: ۱۳) قَالَ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶: ۲۹۱؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴: ۸۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۲۰۵) زید شحام گفت: از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا رسول خدا (ص) امامان (ع) را می شناخت؟ فرمود: نوح آنان را می شناخت و گواه این، سخن خدای عز و جل: شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى: (خداوند، دینی برای شما تشریح کرده است که سفارش آن را به نوح کرد و همان که ما به تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را بآن سفارش کردیم) فرمود: آنچه که به نوح وحی کرد، ای گروه شیعه، برای شما تشریح کرد.

* بررسی متن: حدیث فوق، در منابع متعددی ذکر شده است، از جمله: گاهی در ضمن حدیثی بلندتر (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳: ۳۶۵ و ج ۲۶، ص ۲۸۴؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴: ۸۱۰؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۲۹؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۱: ۴۸۶) و گاهی بخشی از حدیث وارد شده (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۳۰۱) در برخی منابع در ضمن حدیثی طولانی نقل شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۸۵ و ج ۲۳، ص ۳۶۵ و ج ۴۰: ۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۸؛ همو، ۱۴۲۹ق، ج ۳: ۷۹؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۱۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۱۰۴؛ کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۷۰؛ قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۰۴). حدیث اشاره به این مهم دارد که اصول دین در همه ادیان یکسان است و هیچ گونه تفرقه ای در آن نیست، و مردم نیز نباید در دین اختلاف کنند و بعضی از آن را بپذیرند و آنچه به دلخواه آنان نبود نپذیرند. به نظر می رسد امام (ع) خواسته است بفرماید: امامت موضوعی است که در همه ادیان ابراهیمی مطرح بوده، و خداوند آن را از در همه ادیان تشریح کرده است.

* بررسی سند: همانطور که گذشت: ابن عقده ثقه زیدی مذهب، قاسم بن حازم مدح و ذمی در موردش نیامده، عبیس ناشری امامی ثقه، عبدالله بن جبله، واقفی ثقه، است. عمران بن قطر یا قطن امامی ممدوح (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۵۷؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۹۲؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۲۶۳) وزید شحام، امامی ثقه (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۳۵ و ۲۰۶؛ همو، بی تا، ص ۲۰۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۳).

بنابراین سند حدیث «حَسَن» ارزیابی می شود.

با توجه به اینکه این حدیث در منابع بسیاری آمده است و بیشتر روایان ثقه هستند، می توان متن حدیث را معتبر دانست.

۷- أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ ابْنُ عَقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبِيسُ بْنُ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْمَكْفُوفِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) بِنَبِيِّ لِمَنْ ادَّعَى هَذَا الْأَمْرَ فِي السِّرِّ أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهِ بِرُهَانٍ فِي الْعَلَانِيَةِ قُلْتُ وَمَا هَذَا الْبُرْهَانُ الَّذِي يَأْتِي فِي الْعَلَانِيَةِ قَالَ يَحِلُّ حَلَالُ اللَّهِ وَيَحْرِمُ حَرَامَ اللَّهِ وَيَكُونُ

لَهُ ظَاهِرٌ يُصَدِّقُ بَاطِنَهُ (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵: ۱۶۴) امام صادق (ع) فرمود: کسی که در پنهان مدعی این کار است، شایسته است در آشکار نیز برهانش را بیاورد. گفتیم: آن برهانی که باید در آشکار بیاورد چیست؟ فرمود: حلال خدا را حلال دانسته و حرام خدا را حرام بداند و ظاهری داشته باشد که باطنش را تصدیق کند.

* بررسی متن: این حدیث فقط در بحارالانوار مجلسی که از الغیبه نعمانی نقل کرده، آمده است. ظاهراً موضوع این روایت مناسبتی با این باب ندارد زیرا منظور از ادعای مدعی در حدیث، ادعای تشیع است نه ادعای امامت، همانطور که در متن آمده است.

* بررسی سند: شرح حال راویان این حدیث از ابن عقده تا عبدالله بن جبلة گذشت. ابو خالد امامی ممدوح (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۵۰؛ همو، بی تا، ص ۳۱۸) و اولین راوی ناشناس است. بنا بر این، سند حدیث «ضعیف» ارزیابی می شود.

۸- وَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَّاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ الْمَوْصِلِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْقُرَشِيِّ الْمَعْرُوفُ بِالرَّازِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَلَامٍ عَنْ سُرَّةَ بْنِ كَلْبٍ: عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ (ع) فِي قَوْلِهِ "يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَجُوهَهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ" قَالَ مَنْ قَالَ لِي إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا قَالَ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ وَ إِنْ كَانَ مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵: ۱۱۳؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴: ۷۲۳) وَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَلَامٍ عَنْ سُرَّةَ بْنِ كَلْبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ (ع) مِثْلَهُ سَوَاءً: از سوره بن کلب: از امام باقر (ع): آن حضرت در معنی آیه "و يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَجُوهَهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ" (ترجمه آیه گذشت) فرمود: کسی که بگوید: من امام هستم و در واقع امام نباشد. گفتیم: اگر علوی فاطمی نسب باشد؟ فرمود: اگر چه علوی فاطمی باشد. گفتیم: اگر از فرزندان علی بن ابی طالب (ع) باشد؟ فرمود: هر چند از فرزندان علی بن ابی طالب باشد.

* بررسی متن: در برخی منابع، کلمه «فَاطِمِيًّا»، نقل نشده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۷۲؛ همو، ۱۴۲۹ق، ج ۲: ۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۱۹۱؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴: ۷۲۲) گاهی بخشی از حدیث نقل شده است. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۱۹۲)، متن این حدیث مشابه احادیث قبل با مقدار کمی متفاوت است.

* بررسی سند (۱): عبد الواحد موصلی، امامی ثقه (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۳۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۸)، محمد بن جعفر قرشی کوفی، امامی ثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۷۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۶۰)، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، امامی ثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۴۱) و سوره بن کلب همانگونه که گذشت، امامی ثقه است. سند (۱) این حدیث به علت حضور محمد بن سنان که مورد اختلاف رجالیون است، (کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۵۰۳ و ۵۰۸؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۴؛ همو، بی تا، ص ۴۰۷؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴ق، ص ۹۲) و ابو سلام، که ضعیف توصیف شد، «ضعیف» است.

* بررسی سند (۲): همانگونه که گذشت محمد بن یعقوب کلینی، امامی معتبر و گرانقدر، محمد بن یحیی عطار امامی ثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۵۷)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، امامی ثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۹ و ۸۳؛ شیخ طوسی، بی تا، ص ۶۱) است.

به علت مورد اختلاف بودن محمد بن سنان و ضعیف بودن ابو سلام، سند دوم حدیث ضعیف است. در نتیجه این حدیث از لحاظ سندی «ضعیف» ارزیابی می شود.

۹- وَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَّاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ رَبَاحِ الزَّهْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ عَيْسَى الْحُسَيْنِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيُنِ الْجُهَنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ رَأْيَةٍ تَرَفَّعَ قَبْلَ رَأْيَةِ الْقَائِمِ (ع) صَاحِبِهَا طَاعُوتٌ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵: ۱۱۴؛ نوری، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۱۱۴)

امام باقر(ع) فرمود: هر پرچمی که پیش از پرچم حضرت قائم برافراشته شود، پرچمدارش طاغوت و بنا حق است. * بررسی متن: در برخی منابع به جای «رَأْيَةُ الْقَائِمِ»، عبارت «قِيَامُ الْقَائِمِ» نقل شده است. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵: ۱۱۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲۹۵؛ همو، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵: ۶۶۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۵۲؛ همو، ۱۴۲۵ق، ج ۵: ۱۵۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۲۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶: ۳۲۵ و ج ۵۲: ۱۴۳؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۳: ۴۱۹ و ج ۱: ۵۲۵ و ج ۲: ۹۲ و ج ۴: ۷۰۲). طبق آنچه خواهد آمد، سند این حدیث و دو حدیث مشابه دیگر نقل شده در این باب، «ضعیف» هستند. (۹، ۱۱، ۱۲) در مورد متن این سه حدیث واحادیثی با این مضموم قبلاً در مباحث ولایت فقیه، بطور مفصل بحث شده است، در اینجا اشاره ای گذرا، در حد توان این مقاله خواهد شد. آنچه به نظر می رسد در صورت اعتبار سندی حدیث، منظور امام از قیام ها یا پرچم ها، حرکت هایی است که با هدف مطرح کردن خود و به دست گرفتن قدرت و حکومت انجام شود، مانند قیام بنی العباس بر علیه بنی امیه، که امام، شیعیان را از وارد شدن در چنین قیام هایی نهی می کردند. مقصود امام از عبارت "كُلُّ رَأْيَةٍ"، قیام هایی از این نوع است. در حالیکه اگر قیامی برای به پا داشتن حق و برگرداندن زمام امور به دست اهل بیت(ع) باشد، قطعاً مورد تأیید امامان معصوم(ع) خواهد بود، به دلایل عقلایی و به دلیل آیات قرآن در مورد امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از حق و مبارزه با باطل.^۳ بنابراین حدیث فوق واحادیث مشابه، شامل قیام هایی که با هدف دفاع از اهل بیت و دعوت مردم برای مبارزه با طاغوت و حاکمان ستمگر صورت پذیرد، نمی شود، از جمله قیام زید بن علی بن الحسین که مورد تأیید امام صادق(ع) بوده و علمای بزرگ، قیامش را امر به معروف و نهی از منکر دانسته اند. زید بر اساس روایات و نظر علمای بزرگ با اجازه امام صادق(ع) انجام داد.^۴ این حدیث را کلینی با سند صحیح آورده است. «عن علی بن ابراهیم، عن صفوان بن یحیی، عن عیص بن القاسم، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «عليكم بتقوى الله» تا آنجا که می گوید: «إن اتاكم أت منّا فانظروا علی ای شیءٍ و لا تقولوا خَرَجَ زید، فإن زیداً كان عالماً و كان صدوقاً و لم يدعكم إلى نفسه إنما دعاكم إلى الرضا من آل محمد و لو ظهر لوفی بما دعاكم إليه، إنما خرج إلى سلطان مجتمع لينقضه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۶۴) اگر یک نفر از ما (خاندان پیامبر) شما را به قیام و خروج دعوت کرد، به درستی بیندیشید که برای چه منظوری قیام کرده است و نگوئید زید بن علی هم پیش از این قیام کرده است، زیرا او مردی اندیشمند و بسیار راستگو بود و شما را به سوی خودش دعوت نکرد، بلکه به سوی خاندان پیامبر و رضایت آنان دعوت کرد. اگر پیروز می شد، حتماً به وعده خود وفا می کرد. او در برابر حکومتی قوی و یک دست برخاست تا پایه های آن را متلاشی کند.

از این حدیث برمی آید که قیام هایی که مردم را دعوت به حق می کنند، مورد تأیید امامان معصوم(ع) بوده است. در دوران معاصر در طی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) قیامی از نوع قیام های برحق بود که مردم را به ارزش های اسلامی و خاندان پیامبر و بر علیه طاغوت دعوت می کرد. بنا بر این قیامی باطل و منحرف است که برای اهداف شخصی و غیر دینی باشد، اما قیام و یا هر حرکتی که برای ولایت و امامت اهل بیت (ع) و ادامه راه آنان باشد، نکوهیده نیست، بلکه مورد تأیید و تاکید امام صادق (ع) و سایر امامان است.

شیخ حر عاملی در مجموعه حدیثی خود «وسائل الشیعه»، در کتاب جهاد این روایات (اشاره به قیام های قبل از ظهور) را در یک باب گرد آورده و عنوان آنرا چنین قرار داده است: «باب حکم الخروج بالسيف قبل قيام القائم(ع)»، همان گونه

- مانند آیه: "يومنون بالله و اليوم الآخر و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر" (آل عمران: ۱۱۴) و مواردی دیگر از قبیل آیات (آل عمران: ۱۰۴) و (توبه ۲) و (۷۱) و آیات بسیاری دیگر در این خصوص.

سید علی خان و همچنین معجم رجال الحدیث در خوئی، تنقیح المقال در مامقانی در القواعد، شهید اول ۲- بسیاری از علمای شیعه از جمله برای اطلاع بیشتر از قیام زید بن علی و انگیزه های قیام وی نک: ، بوده است (امام صادق(ع) ، معتقدند قیام زید به اذن ریاض السالکین در

عمرجی، الحیاء السیاسیة و الفکریة للزیدیة فی المشرق الاسلامی صص ۶۵-۴۷ و شامی؛ تاریخ زیدیة در قرن دوم و سوم هجری صص ۸۱-۷۵ و ابن عماد، شذرات الذهب، ج ۱، صص ۱۵۹-۱۵۸ و طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، صص ۲۰۰-۱۹۳.

که ملاحظه می شود، وی فتوا و نظر نداده است، زیرا اگر نظری داشت با عبارت «وجوب الخروج» یا «حرمة الخروج» آن را ارائه می داد، چنانچه در موارد دیگر نظر و فتوا داده است.^۵

* بررسی سند: در سند این حدیث عبد الواحد موصلی امامی ثقه است. احمد بن محمد بن رباح زهری مورد اختلاف (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۹۲؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۱۶؛ همو، بی تا، ص ۶۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۲، ۳) و محمد بن عباس بن عیسی حسینی یا حسنی که برادر حسن بن ابی حمزه است، واقفی ثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۴۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۵۵) توصیف شده اند. مالک بن اعین الجهنی، امامی ممدوح است. (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۴۵ و ۳۰۲؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۲۷۲)، حسن بن علی بن ابی حمزه، ضعیف (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۷؛ کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۵۵۲؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴ق، ص ۵۱) و پدرش، علی بن حمزه بطائنی، ضعیف (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۴۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۴۵ و ۳۳۹؛ همو، بی تا، ص ۲۸۳؛ کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۴۰۵) توصیف شده اند.

به این ترتیب سند حدیث «ضعیف» ارزیابی می شود.

۱۰- وَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ عَنِ ابْنِ رِبَاحٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَمِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ (ع) مَنِ ادَّعَى مَقَامَنَا يَعْنِي الْإِمَامَةَ فَهُوَ كَافِرٌ أَوْ قَالَ مُشْرِكٌ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵: ۱۱۴؛ بروجرودی، سید حسین، ۱۳۷۳ش، ج ۱۴: ۵۳۶) امام صادق (ع) فرمود: هر کس مقام ما (امامت) را ادعا کند، کافر یا مشرک است.

* بررسی متن: در وسائل الشیعه، به جای «مَقَامَنَا»، «مَقَامًا» نقل شده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۳۵۰). در این حدیث امام کسی را که مقام امامت و جانشینی پیامبر اکرم (ص) را ادعا کرده، در ردیف کافران و مشرکین قرار داده است. به نظر می رسد در چنین ادعایی کفر و شرک نهفته است، اگر چه مدعی امامت به ظاهر مشرک یا کافر نباشد.

* بررسی سند: همانگونه که گذشت، موصلی (امامی ثقه) و ابن رباح زهری (مورد اختلاف) است. احمد بن علی حمیری، از رجال شیخ طوسی و توصیفی در موردش یافت نشد. (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۰۸)، حسن بن ایوب، امامی ممدوح (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۳۵؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۱۰۴)، عبدالکریم بن عمرو خثعمی، مورد اختلاف (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۴۵؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۳۹ و ۳۳۹)، ابان که ابن عثمان بن الاحمر البجلی است، ثقه ناووسی (کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۳۷۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۲) و فضیل بن یسار نهدی، امامی ثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۰۹ و ۳۶۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۳۲ و ۱۵۹؛ کشی، ۱۳۴۲ش، ص ۲۳۸) است. لذا سند حدیث به علت مورد اختلاف بودن ابن رباح زهری و خثعمی «ضعیف» ارزیابی می شود.

۱۱- وَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ بِقَمٍّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَانَ الرَّازِي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ الْجَهَنِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ (ع) يَقُولُ كُلُّ رَأْيَةٍ تَرَفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (ع) صَاحِبِهَا طَاعُوتٌ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۴ و ۱۱۵) متن حدیث فوق، با متن حدیث ۱۲ و ۹ یکسان است.

* بررسی سند: در سند این حدیث علی بن حسین مسعودی قرار دارد که امامی ثقه است. (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۲۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۹۴)، محمد بن یحیی عطّار، همانگونه که گذشت، امامی ثقه، ابن مسکان، امامی ثقه (کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۳۷۵؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۲۱۳؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۴)، مالک بن اعین الجهنی، همانگونه که گذشت، امامی ممدوح است. محمد بن حسان رازی، ضعیف (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۸؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴ق، ص ۹۵) و محمد بن علی کوفی، ضعیف (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۳؛ کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۵۴۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۵۴ و ۲۷۱) توصیف شده اند. علی بن الحسین، که نام کامل این راوی یافت نشد. بنا به آنچه گذشت، سند حدیث «ضعیف» ارزیابی می شود.

- رک به: باب الجهاد در کتاب وسائل الشیعه، ج ۱۱، ۵.

۱۲- وَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَنْدَنِيجِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ الْجَهَنِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ الْبَاقِرَ (ع) يَقُولُ كُلُّ رَأْيَةٍ تَرَفَعُ أَوْ قَالَ تَخْرُجُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ، صَاحِبُهَا طَاغُوتٌ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۵ و ۱۱۴) متن حدیث فوق، با متن احادیث ۹ و ۱۱ یکسان است.

* بررسی سند: در سند حدیث علی بن احمد بندنیجی قرار دارد که ضعیف توصیف شده است. (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۳۵؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴ق، ص ۸۲)، عبیدالله بن موسی علوی، امامی ثقه (بروجردی، علی اضغر، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۷۴)، علی بن ابراهیم بن هاشم، امامی ثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۶۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۰۰)، پدرش، ابراهیم بن هاشم، امامی ثقه (شیخ طوسی، بی تا، ص ۱۲؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۶)، عبدالله بن مغیره، امامی ثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۵؛ کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۵۵۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۱۰) است. شرح عبدالله بن مسکان (امامی ثقه) و مالک بن اعین جهنی (امامی ممدوح) قبلا گذشت.

به این ترتیب سند حدیث به علت حضور علی بن احمد بندنیجی، «ضعیف» ارزیابی می شود.

سه حدیث به شماره ۹ و ۱۱ و ۱۲ دارای متنی تقریباً یکسان، با سه سند که ضعیف ارزیابی شدند، در این باب نقل شده اند. همانطور که در ذیل حدیث ۹ آمد، این روایات در صورت صحت، شامل همه قیام هایی که قبل از قیام قائم (عج) رخ می دهد، نمی شود. این به دلیل روایات بسیاری است که از طرف امامان معصوم (ع) نقل شده که برخی از قیام هایی را که پیش از ظهور امام زمان رخ می دهد، کاملاً مورد تاییدند و مردم در پیوستن به آنها تشویق شده اند. دو روایت در الغیبه نعمانی نقل شده است که اشاره به موضوع «رایه الیمانی» دارد: عن الباقر (ع): لَيْسَ فِي الرَّأْيَاتِ رَأْيَةٌ أَهْدَى مِنْ رَأْيَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَأْيَةُ هُدَى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَمَ بَيْعِ السَّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَأْيَتَهُ رَأْيَةٌ هُدَى وَ لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِيَ عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ يَدْعُو "إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ" (احقاف: ۳۰) (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۵۶) یعنی، در میان قیام ها هدایت کننده تر از پرچم یمانی نباشد. که پرچم هدایت است، زیرا به سوی حضرت قائم (عج) رهنمون می کند، پس هنگامی که یمانی قیام کند، خرید و فروش اسلحه بر مردم و بر هر مسلمانی حرام خواهد بود و هر زمانی قیام کرد، باید بسوی او بشتابید زیرا پرچم او، پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی روا نباشد که از آن پرچم روی بگرداند و هر کس که چنین کند او از اهل آتش است زیرا او «به حق» و به راه راست دعوت می کند». نعمانی حدیث دیگری از امام باقر (ع) نقل می کند: كَانَتْ بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَنَلَّاهُمْ شُهَدَاءَ أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبَقْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۷۳) یعنی، گوئی گروهی از مردم را می بینم که از مشرق زمین قیام کرده اند و خواهان حق هستند ولی به آنان داده نمی شود، سپس دوباره درخواست حق می کنند ولی باز هم به آنان داده نمی شود. هنگامی که اوضاع را چنین می بینند، دست به سلاح برده و شمشیرهای خود را به دوش می گذارند که خواسته آنان بر آورده شود، در این وقت حق آنان را به آنان بدهند ولی آنان نمی پذیرند و دست به قیام می زنند و پرچم هدایت را به صاحب شما (حضرت مهدی) می سپارند، کشته های آنان شهیدند، اما من اگر آن زمان را درک نمایم، از یاری صاحب آن امر (امام زمان) دست بر نمی دارم.

قابل توجه است در این روایت قیام «یمانی» از نظر امام (ع) دعوت به سوی حق و راه مستقیم می کند و کشته های آنان را شهید نامیده است که نشانه تایید کامل آن حضرت از چنین قیام هایی است.

امام صادق (ع) می فرماید: والله عمی شهید: به خدا قسم عمویم (زید بن علی بن الحسین) شهید شد. (علامه امینی، ۱۳۹۷ق، ج ۳: ۷۰) در نتیجه به دلیل: ۱- ضعیف بودن سند این احادیث، ۲- تعارض با آیات قرآن، ۳- داشتن روایات معارض و با در نظر گرفتن این موضوع، چه بسا، امام (ع) در زمان خاص که شرایط قیام مهیا نبوده و یا به افراد خاصی که درک درستی از وقایع نداشته اند، این احادیث را بیان فرموده باشند.

۱۳- وَأَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (ع) يَقُولُ: مَنْ خَرَجَ يَدْعُو النَّاسَ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَهُوَ ضَالٌّ مُبْتَدِعٌ وَمَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ مِنَ اللَّهِ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ فَهُوَ كَافِرٌ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۵) امام جعفر بن محمد (ع) فرمود: کسی که با دعوت مردم برخیزد و بین مردم برتر از او بوده باشد، گمراه و بدعت‌گذار است، و کسی که ادعا کند، از جانب خداوند، امام است و امام نباشد، کافر است.

* بررسی متن: در برخی منابع به جای «أَفْضَلُ»، «أَعْلَمُ»، (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ۳۵۰) نقل شده، گاهی کلمه «مِنَ اللَّهِ»، نقل نشده است. (نوری، ۱۴۲۳ق، ج ۱۱: ۲۹) در منابع دیگر در ضمن حدیثی طولانی (کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۴۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵: ۳۰۸) ویا بخشی از حدیث (همان، ص ۱۱۵) نقل شده است. متن این حدیث مانند احادیث اوائل باب در مورد مدعیان دورغین امامت است، با این وصف که خود متوجه کسانی باشد که بهتر از او هستند و بدانند که شایسته این مقام نیست و همچنان بر این منصب خطیر باقی بماند، چرا که منصب امامت از سوی خداوند تعیین می شود و این افترا بر خداوند است. امام چنین شخصی را همردیف کافران می شمارد، هرچند که خودش به ظاهر عبادت خداوند را انجام دهد. در این حدیث امام همچنین کسانی را که مردم انتخاب کرده اند، ولی افراد بهتر از آنان در جامعه وجود داشته باشند، گمراه و بدعت گذار نامیده، به نظر می رسد امام با آگاهی از این مطلب، زمانی که افراد جابجا شوند و افراد لایق شناخته نشوند و از آنها در مسائل جامعه وحل مشکلات آن، استفاده نشود، و افراد نالایق زمام امور را به دست گیرند، نتیجه ای جز عقب افتادگی مسلمین نخواهد داشت، واین سخن امام در طول تاریخ اسلام به اثبات رسید ودر صدر تاریخ اسلام با خانه نشین شدن امیرالمومنین(ع)، نتیجه کار مسلمین آشفتگی و جنگ و ستیز و در نهایت ترور امام به قصد نزدیکی به خدا انجام شد.

* بررسی سند: همانطور که گذشت، علی بن احمد بندنیجی ضعیف و عبیدالله بن موسی علوی امامی ثقه و ابان بن عثمان بجلي، ناووسی ثقه و فضیل بن یسار نیز امامی ثقه توصیف شدند. احمد بن محمد بن خالد برقی، امامی ثقه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۷؛ شیخ طوسی، بی تا، ص ۶۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۵) و علی بن حکم، امامی ثقه (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۱ و ۳۷۶؛ همو، بی تا، ص ۲۶۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۹۳)، به این ترتیب سند حدیث «ضعیف» ارزیابی می شود.

بنا به بررسی صورت گرفته در این یافته نگاری می توان ادعان کرد که:

- ۱- احادیث منقول در باب پنجم کتاب «الغیبة» نعمانی از لحاظ سندی، شامل ۴ حدیث حسن و ۹ حدیث ضعیف است.
- ۲- تعداد بیشتر احادیث بررسی شده، با سند ضعیف، ارزیابی شد، با توجه به این مسأله که محدث بزرگی چون نعمانی، در هر باب از کتابش، احادیثی با موضوع واحد و متون مشابه آورده است، به نظر می رسد، خواسته است، متن بعضی از احادیث ضعیف را به وسیله یکدیگر یا احادیث معتبر همان باب تقویت کند.
- ۳- براساس تعدادی از احادیث این باب، مدعیان دروغین امامت و جانشینی پیامبر(ص)، گمراه و بدعت گذار و در ردیف کفار و مشرکین معرفی شده اند.
- ۴- متون احادیث امامان دروغین، خطر این مدعیان را گوشزد کرده و شاید بتوان نتیجه گرفت، که وجود این اشخاص در طول تاریخ اسلام، باعث عقب افتادگی و خارج شدن مسلمین از مسیر اصلی رشد شده باشند.
- ۵- همه قیام های قبل از قیام قائم(ع) که در احادیث ۹ و ۱۱ و ۱۲ نقل شده است، نکوهیده نیستند، بلکه شامل قیام هایی است که با هدف مطرح کردن خود و در عرض و جهت مخالف قیام حضرت مهدی(عج) باشند. اما قیام هایی که در طول و روند قیام امام(ع) و به جهت رسیدن به اهداف آن بزرگوار باشند، مورد تائید امامان معصوم (ع) می باشند.

تقدیر و تشکر

با تقدیر و تشکر شایسته از جناب آقای دکتر سید یوسف محفوظی موسوی که نگارنده در نوشتن این مقاله یاری کرده اند.

فهرست منابع

- ۱) ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، چاپ اول، علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
- ۲) ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ق.
- ۳) ابوصلاح الحلبي، تقی بن نجم، تقریب المعارف، تحقیق: تبریزیان (الحسون) فارس، چاپ اول، الهادی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۴) استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهره، تحقیق: حسین استاد ولی، چاپ اول، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۹ق.
- ۵) امینی نجفی، عبدالحسین احمد، (علامه)، الغدير فی الكتاب و السنة و الادب، چاپ چهارم، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۳۹۷ق-۱۹۷۷م.
- ۶) بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه، چاپ اول، موسسه بعثه، قم، ۱۳۷۴ش.
- ۷) برقی، احمد بن محمد بن خالد، رجال برقی-الطبقات، محقق: طوسی، محمد بن الحسن، مصطفوی، حسن، چاپ اول، انتشارات دانشگاه، تهران، ۱۳۴۲ش.
- ۸) بروجردی، علی اصغر، طرائف المقال فی معرفه طبقات الرجال، تحقیق سید مهدی رجایی، چاپ اول، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۱۰ق.
- ۹) حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، چاپ اول، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۵ق.
- ۱۰) _____، (۱۴۱۸ق-۱۳۷۶ش)، الفصول المهمه فی اصول الائمه (تکمله الوسائل)، تحقیق: محمد بن محمد الحسین القائینی، چاپ اول، موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، قم، ۱۳۷۶ش-۱۴۱۸ق.
- ۱۱) _____، وسائل الشیعه، تحقیق: موسسه آل بیت (ع)، چاپ اول، موسسه آل بیت (ع)، قم، ۱۴۰۹ق.
- ۱۲) حلی، حسن بن علی بن داود، الرجال لابن داود، چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲ش.
- ۱۳) شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار (لشعیری)، چاپ اول، مطبعه حیدریه، نجف، بی تا.
- ۱۴) شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، الرعايه فی علم الدرايه، المجمع العلمی الاسلامی، طهران، ۱۴۰۴ق.
- ۱۵) شیخ بهایی، محمد بهاء الدین عاملی، الوجیزه فی الدرايه، منشورات المکتبه الاسلامیه الکبری، قم، ۱۳۹۶ق.
- ۱۶) شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ش.
- ۱۷) _____، الاعتقادات الامامیه، چاپ دوم، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۴ق.
- ۱۸) _____، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، چاپ دوم، دارالشریف الرضی والنشر، قم، ۱۴۰۶ق.
- ۱۹) شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، المکتبه المرتضویه، نجف، بی تا.
- ۲۰) _____، رجال الطوسی، چاپ سوم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین،

- قم، ۱۳۷۳ش.
- (۲۱) _____ الامالی، چاپ اول، تحقیق: موسسه البعثة، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
- (۲۲) صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ص)، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوجه باغی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۴ق.
- (۲۳) عروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
- (۲۴) علامه حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۱ق.
- (۲۵) عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، المطبعة العلمية، تهران، ۱۳۸۰ق.
- (۲۶) فیض کاشانی، محمد حسن بن شاه مرتضی، الوافی، چاپ اول، کتابخانه امام امیر المومنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
- (۲۷) قمی مشهدی، محمدبن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشار، تهران، ۱۳۶۸ش.
- (۲۸) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جرائری، چاپ سوم، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ق.
- (۲۹) کشی، محمدبن عمر، رجال الکشی، انتشارات دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۸ش.
- (۳۰) کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی(ط-اسلامیة)، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
- (۳۱) _____، الکافی(ط-دارالحدیث)، تحقیق دارالحدیث، چاپ اول، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۹ق.
- (۳۲) کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تحقیق: کاظم محمد، چاپ اول، موسسه الطبع والنشر فی الوزاة الارشاد الاسلامی، تهران، ۱۴۱۰ق.
- (۳۳) مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح آل الرسول، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۴ق.
- (۳۴) _____ بحار الانوار الجامعه لدرر الأئمة الأطهار(ط-بیروت)، تحقیق/تصحیح: جمعی از نویسندگان، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- (۳۵) نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی (فهرست اسماء منصفی الشیعه)، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ق.
- (۳۶) نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة للنعمانی، مترجم، احمد فهري زنجانی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۲ش.
- (۳۷) _____، الغیبه للنعمانی، تحقیق/تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
- (۳۸) نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۱۲ق)، مستدرکات علم الرجال، چاپ اول، شفق، تهران، ۱۴۱۲ق.
- (۳۹) نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق: موسسه آل بیت علیهم السلام، چاپ اول، موسسه آل بیت علیهم السلام، قم، ۱۳۸۱ش-۱۴۲۳ق.